

تئاتر

«خانواده گومیدان»
در پردیس تئاتر شهرزاد



با اعلام اداره کل هنرهای نمایشی مبنی بر پایان تعطیلی سالن‌های تئاتر، گروه‌های نمایشی آرام آرام برای اجرای نمایش در تهران و دیگر شهرها آماده می‌شوند. در حالی که پیش از این ۱۰ نمایش در تهران فعالیت خود را آغاز کرده بودند، نمایش «خانواده گومیدان» نوشته زرز کور تولین با ترجمه داریوش مؤدبیان و کارگردانی مهدی شعبانی از ۲۷ اردیبهشت ماه هر شب ساعت ۲۰ در سالن صنوبر پردیس تئاتر شهرزاد به اجرا در می‌آید. این اثر ۲ کمدی کوتاه از کور تولین کمدی نویسنده انتهای قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ فرانسه است که بیشتر روی طنز اداری و مناسبات خانوادگی کار کرده است.

در این اثر نمایشی آیدا پور موسی، احسان رجب زاده، مهناز زینبی و مهدی شعبانی به ایفای نقش می‌پردازند. همچنین احسان رجب زاده تهیه‌کنندگی این اجرا را برعهده دارد.

در خلاصه داستان این اثر نمایشی آمده است: مردی که به بهانه آشنایی با یک خانواده می‌خواهد از آنها استفاده کند و صاحب آن خانه شود در بدو ورود دچار حرکات خیلی عجیب از این خانواده می‌شود و بلاهایی به سرش می‌آید و...

علاوه بر این نمایش، «سگ زندگی» به کارگردانی حمیدرضا اسماعیلی و «هجده سالگی» به کارگردانی فردین رحمانپور در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌روند.

گردشگری

کدام کشورها واکسیناسیون
گردشگران را آغاز کرده‌اند؟



از آنجایی که روند تریق واکسن کرونا در برخی کشورها کند پیش می‌رود، برخی شهروندان تصمیم به سفر به کشورهای گرفته‌اند که واکسیناسیون گردشگران را آغاز کرده‌اند.

به گزارش ایسنا، روسیه نخستین کشوری بود که به گردشگران نیز واکسن کووید تریق کرد و دولت روسیه موظف است این مسافران را سه روز تحت نظر داشته باشد. یک شرکت توریستی نروژی نیز اولین شرکتی بود که بسته سفر شامل پرواز به مسکو و واکسن «اسپوتنیک وی» را به متقاضیان تریق واکسن عرضه کرد.

آمریکا دومین کشوری است که با سرعت گرفتن تریق واکسن به افراد بالغ، برخی ایالت‌ها که واکسن بیشتری دارند، برنامه تریق به مسافران را آغاز کرده‌اند. مالدیو که چرخ اقتصادش بر پایه گردشگری می‌چرخد با استراتژی ۳۷ (تعطیلات، واکسن، بازدید) گردشگران را برای سفر به این کشور همراه با تریق واکسن کووید تشویق می‌کند.

صربستان نیز به مسافران واکسن کووید تریق می‌کند. این کشور سه میلیون واکسن فایزر، استرازنکا، اسپوتنیک وی و سینوفارم برای شهروندان خود خریده که بیشتر از حد مورد نیاز بوده، بنابراین واکسن اضافه را به ملت‌های دیگری که به صربستان سفر کنند، تریق می‌کند.

مدیران مرکز گسترش
سینمای مستندو تجربی
نه تنها هیچ کمکی به اکران
فیلم من نکردند که حتی
عده‌ای می‌خواستند با اجر
به پیشانی فیلم بکوبند، اما
این فیلم رفت جشنواره
آسیا پاسیفیک و بوسان
و چهار جایزه در همان
جشنواره سینماحقیقت
گرفت. این فیلم اولین
مستندی بود که جایزه
نت پک آسیایی را
در یافت کرد

وقتی یک مسئول در مورد آسیب‌های اجتماعی حرف می‌زند چرا به چنین فیلمی استناد نمی‌کنیم که راه فیلم باز شود و کمک کنند که در اکران آنلاین دیده شود. مشکل از حلقه ارتباط است، مدیران مرکز گسترش سینمای مستندو تجربی نه تنها هیچ کمکی به اکران فیلم من نکردند که حتی عده‌ای می‌خواستند با اجر به پیشانی فیلم بکوبند، می‌گویند چرا؟ چون این فیلم متعلق به مرکز نیست و مرکز زمانی که می‌خواستیم فیلم را بسازیم، این فیلمنامه را رد کرد، اما این فیلم رفت جشنواره آسیا پاسیفیک و بوسان و چهار جایزه در همان جشنواره سینماحقیقت گرفت. این فیلم اولین مستندی بود که جایزه نت پک آسیایی را در یافت کرد.

مالان درباره چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ در مورد بی‌تدبیری در حمایت از اکران. مدیران مرکز در یک بدنه‌ی مستند مورد حمایت خودشان را به مخاطب‌ترین پلتفرم دادند و آن پلتفرم بعداً گفت که این فیلم ضعیف بود و شکست خورد؛ پس چرا مدیران مرکز از فیلم شکست خوردده حمایت کردند؟! چرا به فیلم‌های جدی تر و جریان‌سازتر توجه نکردند؟ چون از ابتدا مرادند و اگر شاهکار هم می‌ساختیم می‌زدند که زدند. آیا فیلمی که توانسته کمک کند هشت نوجوان به زندگی برگردد و جلوی یک اعدام گرفته شود، واقعا باید در این حد مورد حمایت قرار گیرد؟

۱۰ سال پیش در مراسم اسکار کسی که جوایز را اهدا می‌کرد درباره یکی از فیلم‌هایی که جایزه گرفت گفت «این وظیفه سینماست. این فیلم (سینماحقیقت) باعث شده یک سری نهنگ از مرگ نجات پیدا کنند.» این در حالیست که من در مورد نهنگ‌ها حرف نمی‌زنم، من در مورد انسان‌های این جامعه حرف می‌زنم که از خلاف و بزه به زندگی برگشته‌اند و حتی از اعدام رهایی یافته‌اند.

خیال آقایان راحت من «خط باریک قرمز» را راه می‌کنم و سراغ فیلم بعدی می‌روم، اما تاریخ آن را نخواهد کرد و درباره خیلی چیزها زمان قضاوت خواهد کرد.

داشته است. من به عنوان یک فیلمساز، وقتی در مورد یک ساختار در سینما حرف می‌زنم، می‌توانم ۱۰ فیلم داخلی و خارجی را مثال بزنم. وقتی داریم در مورد آسیب‌های اجتماعی حرف می‌زنیم، سند خوب تصویری کم داریم. فیلم‌هایی که در این حوزه ساخته شده و موفق بوده و توانسته فضای گفتگویی را در مورد آسیب‌های اجتماعی ایجاد کند را چقدر دیده‌ایم؟ آیا بعد از اینکه این فیلم‌ها ساخته شد، در زمان اکران برای بیشتر دیده شدن از آنها حمایت کرده‌ایم؟ خیر. مشکل اصلی من این است. چرا می‌گویم یک فیلم نیاز دارد که حمایت شود؟ زمانی که یک مسئول عالی‌رتبه و مقام بالادست در وزارت ارشاد بیاید و فیلم را ببیند و متوجه شود که چه فضایی به وجود آمده است، می‌تواند به بیشتر و بهتر دیده شدن آن فیلم کمک کند، نه اینکه چنین روزی من مشکل داشته باشم و وقتی سینماها به علت کرونا تعطیل هستند، مدیریت بعضی از پلتفرم‌ها اجازه ندهند، فیلم من روی پلتفرم‌ها دیده شود. همین الان با مافیای پلتفرم‌ها و اکران آنلاین درگیر هستیم، ما مناس می‌گیرند و برای اینکه فیلم را اکران کنند، شرایط می‌گذارند. چرا؟ چون احساس می‌کنند این فیلم متعلق به آن جریان‌هاست که از آنها حمایت می‌کنند، نیست و می‌تواند کار را انجام دهد. در مورد «خط باریک قرمز» دقیقاً همین اتفاق افتاد و زمانی که کسب کرد. «در حبس» به دلایلی هیچوقت پخش نشده و لی دو مجموعه دیگری به زودی پخش می‌شوند. می‌دانید که یک فیلم مستندی توانسته تا سه چهار سال وقت یک مستندساز را بگیرد و من در مورد پکیجی صحبت می‌کنم که بیش از ۳۰۰۰ دقیقه است، مثلاً مجموعه «در حبس» شامل هفت فیلم یک ساعته می‌شود.

من فیلم‌سازی هستم که با موضوع آسیب‌های اجتماعی حدود ۳۰۰۰ دقیقه مفید تولید کردم و جوایز مختلف داخلی و خارجی گرفتم، از بسیاری از مسئولین کشور بابت فیلم «خط باریک قرمز» جایزه گرفتم و از همه مهم‌تر اینکه رضایت مخاطب را دارم، از طرفی فیلم «خط باریک قرمز» پر فروش‌ترین فیلم مستند سال در دوران کرونا بوده و توانسته مخاطب را راضی کند و واقعاً ما هیچ واکنش منفی در مورد این فیلم نداشتیم و همیشه انرژی مثبت گرفتیم و حالا موضوعات کار کردند. این آقای رئیسی زندان زنان به نام «زنی که نام ندارد» ساختیم، یک مجموعه به نام «حق حبس» ساختیم که در سه زندان مختلف فیلمبرداری شده است، یک مجموعه زندان قرچک ورامین و مکان‌های زندگی کارتن‌خواب‌ها و چند کمپ ترک اعتیاد و آگاهی و چند دادگاه ساخته شده و یک فیلم به اسم «خط باریک قرمز». جذاز این‌ها یک مجموعه ۴۰ قسمتی در کانون اصلاح و تربیت و محله‌های زندگی افرادی در جنوب

شهر ساختم که از حدود یک ماه و نیم دیگر از تلویزیون پخش می‌شود. دو فیلم بلند هم موفقیت‌های بسیار زیادی کسب کردند. «در حبس» به دلایلی هیچوقت پخش نشده و لی دو مجموعه دیگری به زودی پخش می‌شوند. می‌دانید که یک فیلم مستندی توانسته تا سه چهار سال وقت یک مستندساز را بگیرد و من در مورد پکیجی صحبت می‌کنم که بیش از ۳۰۰۰ دقیقه است، مثلاً مجموعه «در حبس» شامل هفت فیلم یک ساعته می‌شود.

چرا مخاطب من در بند عباس نمی‌تواند «خط باریک قرمز» را در اکران آنلاین ببیند؟ وقتی یک تماشاگر از مشهد به من پیام داد، در حضور آقای صادقی معاونت فرهنگی قوه قضاییه بودم و ایشان در جریان قرار گرفتند. یک پسر نوجوان به صورت اتفاقی بعد از دو ماه در مشهد فیلم «خط باریک قرمز» را می‌بیند که فرادای آن روز قرار است یک سرقت گروهی داشته است، وقتی فیلم را می‌بیند، به آن سرقت نمی‌رود و بعد به خودم در اینستاگرام پیام داد و کل ماجرا را تعریف کرد.

و متأسفانه به صورت سیستماتیک از کنار این تجربه‌ها راحت عبور می‌کنیم. واقعا آقای رئیسی درخواست می‌کنم که وقت بگذارند و «خط باریک قرمز» را ببینند. من در بخش تجلی اراده ملی جشنواره فیلم فجر، از معاونت فرهنگی قوه قضاییه جایزه گرفتم، اما کسی که باید این فیلم را ببیند شخص ریاست قوه قضاییه است. همانطور که آقای دکتر علی اصغر پورمحمدی در جشنواره جهانی فیلم مسرا دیدند و گفتند سران سه قوه باید این فیلم را ببینند، اما متأسفانه چنین اتفاقی نیفتاد.

اگر قرار بود نظارتی باشد فیلم شما به این خوبی نمی‌شد و به یک فیلم سفارشی تبدیل می‌شد و قطعاً یک فیلم سفارشی نمی‌توانست این تأثیرگذاری را داشته باشد.

این صحبت شما کاملاً درست است، اما این نکته را هم در نظر داشته باشید که زمانی که فیلمساز می‌خواهد کاری را انجام دهد، با شناختی که نسبت به کارهای پیشین او داریم می‌توانیم به او کمک کنیم که کارش را با خیال راحت‌تر بسازد، اما فکرش را نمی‌توانیم هدایت کنیم. مثلاً من می‌خواهم مجوز بگیرم که در زندان فیلم بسازم، طبیعتاً نباید بر خوردها و نگاه‌ها به من مثل همان ۱۰ سال پیش باشد، باید بتوانم راحت‌تر کار را انجام دهم. در مورد «خط باریک قرمز» دقیقاً همین اتفاق افتاد و زمانی که کسب کرد. «در حبس» به دلایلی هیچوقت پخش نشده و لی دو مجموعه دیگری به زودی پخش می‌شوند. می‌دانید که یک فیلم مستندی توانسته تا سه چهار سال وقت یک مستندساز را بگیرد و من در مورد پکیجی صحبت می‌کنم که بیش از ۳۰۰۰ دقیقه است، مثلاً مجموعه «در حبس» شامل هفت فیلم یک ساعته می‌شود.

من فیلم‌سازی هستم که با موضوع آسیب‌های اجتماعی حدود ۳۰۰۰ دقیقه مفید تولید کردم و جوایز مختلف داخلی و خارجی گرفتم، از بسیاری از مسئولین کشور بابت فیلم «خط باریک قرمز» جایزه گرفتم و از همه مهم‌تر اینکه رضایت مخاطب را دارم، از طرفی فیلم «خط باریک قرمز» پر فروش‌ترین فیلم مستند سال در دوران کرونا بوده و توانسته مخاطب را راضی کند و واقعاً ما هیچ واکنش منفی در مورد این فیلم نداشتیم و همیشه انرژی مثبت گرفتیم و حالا موضوعات کار کردند. این آقای رئیسی زندان زنان به نام «زنی که نام ندارد» ساختیم، یک مجموعه به نام «حق حبس» ساختیم که در سه زندان مختلف فیلمبرداری شده است، یک مجموعه زندان قرچک ورامین و مکان‌های زندگی کارتن‌خواب‌ها و چند کمپ ترک اعتیاد و آگاهی و چند دادگاه ساخته شده و یک فیلم به اسم «خط باریک قرمز». جذاز این‌ها یک مجموعه ۴۰ قسمتی در کانون اصلاح و تربیت و محله‌های زندگی افرادی در جنوب



آیا فیلمی که توانسته
کمک کند هشت نوجوان
به زندگی برگردد و جلوی
یک اعدام گرفته شود،
واقعا باید در این حد مورد
حمایت قرار گیرد؟

شهر ساختم که از حدود یک ماه و نیم دیگر از تلویزیون پخش می‌شود. دو فیلم بلند هم موفقیت‌های بسیار زیادی کسب کردند. «در حبس» به دلایلی هیچوقت پخش نشده و لی دو مجموعه دیگری به زودی پخش می‌شوند. می‌دانید که یک فیلم مستندی توانسته تا سه چهار سال وقت یک مستندساز را بگیرد و من در مورد پکیجی صحبت می‌کنم که بیش از ۳۰۰۰ دقیقه است، مثلاً مجموعه «در حبس» شامل هفت فیلم یک ساعته می‌شود.

من فیلم‌سازی هستم که با موضوع آسیب‌های اجتماعی حدود ۳۰۰۰ دقیقه مفید تولید کردم و جوایز مختلف داخلی و خارجی گرفتم، از بسیاری از مسئولین کشور بابت فیلم «خط باریک قرمز» جایزه گرفتم و از همه مهم‌تر اینکه رضایت مخاطب را دارم، از طرفی فیلم «خط باریک قرمز» پر فروش‌ترین فیلم مستند سال در دوران کرونا بوده و توانسته مخاطب را راضی کند و واقعاً ما هیچ واکنش منفی در مورد این فیلم نداشتیم و همیشه انرژی مثبت گرفتیم و حالا موضوعات کار کردند. این آقای رئیسی زندان زنان به نام «زنی که نام ندارد» ساختیم، یک مجموعه به نام «حق حبس» ساختیم که در سه زندان مختلف فیلمبرداری شده است، یک مجموعه زندان قرچک ورامین و مکان‌های زندگی کارتن‌خواب‌ها و چند کمپ ترک اعتیاد و آگاهی و چند دادگاه ساخته شده و یک فیلم به اسم «خط باریک قرمز». جذاز این‌ها یک مجموعه ۴۰ قسمتی در کانون اصلاح و تربیت و محله‌های زندگی افرادی در جنوب

من برای یک قسمت از مجموعه «در حبس» سه شبانه روز بین آدم‌های دروازه غبار زندگی کردم و شب تا صبح با آن‌ها بودم، چه کسی چنین کاری انجام می‌دهد؟ کدام بازیگر سینمای داستانی حاضر می‌شود این کار را بکند؟ کدام کارگردان حوزه داستانی حاضر می‌شود پنج ماه در زندان بماند؟ این فضایی است که ما به آن رسیده‌ایم

سینمای مستند اجتماعی ما در گفتن حقیقت و جسارت و رو به رو شدن با موضوعات مختلف به شدت جلوتر از سینمای داستانی اجتماعی ماست. نکته دیگر این است که بخش عمده‌ای از سینمای داستانی ما از سینمای مستند تغذیه می‌کند. در چند هفته گذشته موارد مختلفی دیدم که همکارانم که در حال نوشتن فیلمنامه یا پیش تولید فیلم‌هایشان بودند، یا بازیگری که نقشی به او پیشنهاد شده است همه آن‌ها می‌خواستند مستند‌های مرابینند و برای بازی یا نوشتن فیلمنامه از آن‌ها الهام گرفته‌اند. این موضوع اثبات می‌کند که سینمای اجتماعی ما در چه جایگاهی قرار دارد. نکته‌ای که در سینمای مستند اجتماعی ما بسیار مهم است، اما جدی گرفته نمی‌شود، شکل برخورد و مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است. در کل سینمای اجتماعی ما در هر دو حوزه توانسته برای مسائل و بحران‌هایی که آسیب‌های جدی اجتماعی هستند و همه ما هم به خوبی از آنها مطلعیم، کاری انجام دهد.

من سه مجموعه دو فیلم در زندان‌های کشور ساختم، حدود ۱۰ سال از عمرم در همین فضا گذشته است، جذاز زندان‌ها جاهای دیگری مثل اداره آگاهی، دادگاه‌های مختلف و... هم رفته‌ام و بسیاری از قضات کشور و بسیاری از مسئولین دادگاه‌ها در حوزه‌های مختلف مرا می‌شناسند و ما من در ارتباط هستیم. بسیاری از دوستانم نیز کردند که روی این موضوعات کار کردند. این آقای رئیسی زندان زنان به نام «زنی که نام ندارد» ساختیم، یک مجموعه به نام «حق حبس» ساختیم که در سه زندان مختلف فیلمبرداری شده است، یک مجموعه زندان قرچک ورامین و مکان‌های زندگی کارتن‌خواب‌ها و چند کمپ ترک اعتیاد و آگاهی و چند دادگاه ساخته شده و یک فیلم به اسم «خط باریک قرمز». جذاز این‌ها یک مجموعه ۴۰ قسمتی در کانون اصلاح و تربیت و محله‌های زندگی افرادی در جنوب

من سه مجموعه دو فیلم در زندان‌های کشور ساختم، حدود ۱۰ سال از عمرم در همین فضا گذشته است، جذاز زندان‌ها جاهای دیگری مثل اداره آگاهی، دادگاه‌های مختلف و... هم رفته‌ام و بسیاری از قضات کشور و بسیاری از مسئولین دادگاه‌ها در حوزه‌های مختلف مرا می‌شناسند و ما من در ارتباط هستیم. بسیاری از دوستانم نیز کردند که روی این موضوعات کار کردند. این آقای رئیسی زندان زنان به نام «زنی که نام ندارد» ساختیم، یک مجموعه به نام «حق حبس» ساختیم که در سه زندان مختلف فیلمبرداری شده است، یک مجموعه زندان قرچک ورامین و مکان‌های زندگی کارتن‌خواب‌ها و چند کمپ ترک اعتیاد و آگاهی و چند دادگاه ساخته شده و یک فیلم به اسم «خط باریک قرمز». جذاز این‌ها یک مجموعه ۴۰ قسمتی در کانون اصلاح و تربیت و محله‌های زندگی افرادی در جنوب

من سه مجموعه دو فیلم در زندان‌های کشور ساختم، حدود ۱۰ سال از عمرم در همین فضا گذشته است، جذاز زندان‌ها جاهای دیگری مثل اداره آگاهی، دادگاه‌های مختلف و... هم رفته‌ام و بسیاری از قضات کشور و بسیاری از مسئولین دادگاه‌ها در حوزه‌های مختلف مرا می‌شناسند و ما من در ارتباط هستیم. بسیاری از دوستانم نیز کردند که روی این موضوعات کار کردند. این آقای رئیسی زندان زنان به نام «زنی که نام ندارد» ساختیم، یک مجموعه به نام «حق حبس» ساختیم که در سه زندان مختلف فیلمبرداری شده است، یک مجموعه زندان قرچک ورامین و مکان‌های زندگی کارتن‌خواب‌ها و چند کمپ ترک اعتیاد و آگاهی و چند دادگاه ساخته شده و یک فیلم به اسم «خط باریک قرمز». جذاز این‌ها یک مجموعه ۴۰ قسمتی در کانون اصلاح و تربیت و محله‌های زندگی افرادی در جنوب

کارگردان مستند «خط باریک قرمز» که جوایز متعددی از جشنواره‌های داخلی و خارجی در یافت کرده و توانست موجب بازگشت به زندگی هشت نوجوان بزهار و رهایی یک نوجوان از اعدام شود؛ درباره جامعه هدف و مخاطب این مستند اجتماعی گفت: کسی که باید این فیلم را ببیند شخص ریاست قوه قضاییه است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مستند‌های اجتماعی همیشه بیانگر مشکلات و دغدغه‌هایی بوده که شاید سینمای داستانی در بیان آن‌ها مانده است. در سینمای داستانی پرداختن به مشکلات و آسیب‌های اجتماعی بیشتر مواقع نگاه کارگردان و نویسنده را به خود گرفته و تبدیل به سیاه‌نمایی می‌شود. در این سال‌ها و به دلیل وجود شبکه‌های مجازی؛ علاقه‌مندی به ساختن فیلم مستند اجتماعی هم شدت گرفته، اما به واقع فیلم مستندی که بتواند تأثیرگذاری در جامعه پیرامون خود داشته باشد، به ندرت دیده‌ایم. فیلم مستند «خط باریک قرمز» ساخته فراد خودست، از معدود فیلم‌های مستند بوده که تا حد زیادی مخاطبان را درگیر خود کرده و توانسته به هدف خود برسد. فیلمی که در دل کانون اصلاح و تربیت ساخته شده و با همیاری چند بازیگر شاخص سینما، نظر ویرترین بازیگر هم با مخاطب همراه بوده است. با کارگردان این فیلم مستند درباره مصائب ساخت این نوع فیلم‌ها گفتگوی داشتیم.

گفتگویی که شاید کمی از مشکلات یک کارگردان حوزه مستند اجتماعی را بیان کرده و عدم هم‌راهی مسئولان دولتی را به چالش کشیده است.

در مورد مستند و مستند اجتماعی و دشواری‌های آن بگویند. زائر اجتماعی در ساخت فیلم مستند خصوصاً در کشور ما چه دشواری‌هایی دارد؟ موضوع دیگر اینکه ما سوژه زیاد داریم که موجب می‌شود دست مستندساز باز باشد، این تعدد سوژه چه حسن‌هایی دارد؟

تالارهای عمومی کتابخانه ملی ایران بازگشایی شد

بازگشایی شد و از یکشنبه، ۲۶ اردیبهشت ماه نیز ارائه خدمات در تالارهای عمومی کتابخانه ملی ایران میسر شده است. همچنین ساعت کار تالارهای تخصصی، نشریات و رقمی و تالارهای عمومی کتابخانه ملی ایران به دلیل رعایت

ارائه خدمات در تالارهای عمومی کتابخانه ملی ایران از دیروز، ۲۶ اردیبهشت ماه برای اعضا از سر گرفته شد. به گزارش ایلنا، براساس دستورالعمل ستاد ملی مبارزه با کرونا و کاهش فرآگیری این ویروس در تهران، تالارهای تخصصی کتابخانه ملی از هفته گذشته ۱۹ اردیبهشت ماه



محدودیت‌های تردد که ساعت ۲۲ در نظر گرفته شده است، یک ساعت افزایش یافت و ارائه خدمات از ساعت ۸ تا ۱۹ خواهد بود. لازم به توضیح است ارائه خدمات در شیفت شب انجام نمی‌شود.

کتاب